

"زمانی که خودت در یک خانه شیشه ای زندگی میکنی، به خانه □ شیشه ای دیگران سنگ اندازی مکن!"

- ضرب المثل انگلیسی

از سال ۱۳۵۷ و برسر کار آوردن رژیم نو قاجاری روضه خوانان در ایران از سوی کشورهای غربی، یورش شبانه روزی به فرهنگ، هویت و دستاوردهای ملی ایرانیان آغازید که دستاورد آن، تنفر بیشتر ایرانیان از اسلام و ایجاد گرایشات ملی گرایانه در میان نوجوانان و جوانان ایرانی بوده است. در مجموع می توان گفت، هر یورش نظام به هویت ایرانی، موجب گشته است تا گرایشات به تاریخ و فرهنگ ایران باستان افزایش یافته و حتی انقلابی در زنده ساختن و فراگیر کردن بسیاری از آداب و رسوم و جشنهای ایرانی که بدست فراموشی سپرده شده بودند آغاز شود! در میان این زنده سازی ها، بتازگی کتابیست که مورد توجه قرار گرفته شده و "کوروش نامه" نام دارد. این کتاب که توسط گزنفون و به زبان یونانی باستان نوشته شده است، زندگینامه کوروش بزرگ و شامل مجموعه گفتارهایی منسوب به او میباشد.

ولی از آن سوی چون رژیم و هوادارنش ملی گرایی ایرانی و هویت ملی را بزرگترین خطر برای وجود و هستی خود و نظامشان بشمار میبرند، در زمان روبرو شدن با نقل قول ها از کتاب کوروش نامه، خشمگین و به روشی توهین آمیز دست به تمسخر کردن آن زده و آن را به بی اعتبار و جعلی میخوانند. البته برنامه ایران باستانزدایی و باستانستیزی و بویژه خصومت و دشمنی با شخصیت تاریخی بزرگ (کوروش ستیزی)، تنها مختص هواداران رژیم (مکتبی ها یا حزب الهی ها) نمیشود، بلکه کمونیستها، فراجاهانی ها، پان ترکان، پان عربها، هنرپیشگان تئاتر روشنفکری (که ناسیونالیسم و ملی گرایی ایرانی در عزا و عروسی سرش را میبرند) و متعصبین مذهبی نیز در جنگ با کوروش نامه مشارکت دارند!

بهر روی، زیر پرشی بردن "کوروش نامه" از سوی متعصبین مذهبی در حالی صورت میگیرد که خودشان به "احادیث" یا نقل قولها و گفتارهای منسوب به محمد بن عبدالله معتقد میباشند و آنها را چشم بسته پذیرفته و گفتارهای مقدس و دینی بشمار می آورند! این در حالیست که "کوروش نامه" از دید اعتبار تاریخی به مراتب معتبرتر از احادیث بوده و این عده که دست به یورش به کوروش نامه زده اند، متوجه نمیشوند "زمانی که خودشان در خانه ای شیشه ای زندگی میکنند، نبایستی به خانه ی شیشه ای دیگران سنگ اندازی کنند"، و این یادداشت کوتاه، یک واکنش پرتاپ سنگی بسوی خانه شیشه ای آنان میباشد!

۱. کوروش نامه

گزنفون در سال ۴۳۰ پیش از میلاد، یعنی دقیقاً یکصد سال پس از درگذشت کوروش بزرگ (۵۳۰ پیش از میلاد^[1]) در آتن زاده شده بود.^[2] سال بازگشت بازمانده آن ارتش به یونان در سال ۳۹۹ پیش از میلاد ثبت شده است، که گمان می‌رود که در همان سال‌ها او کوروش نامه را نوشته باشد. بر این اساس او می‌بایستی مردی سی و یک ساله بوده باشد؛ بگفته‌ای دیگر، کتاب کوروش نامه، ۱۳۰ سال پس از درگذشت کوروش بزرگ نوشته است.

به اقرار خود گزنفون، کتاب "کوروش نامه" براساس کتابی (در حقیقت توماری) بنام "قوانین پارس‌ها و مادها"، که کتاب اصلی قوانین حقوقی شاهنشاهی هخامنشی و بدستور کوروش بزرگ نوشته شده بوده، رونوشت برداری شده است.^[3]

کوروش نامه در گذشته به لاتین و انگلیسی کلاسیک برگردان و امروزه به اکثر زبان‌های زنده جهان، از جمله انگلیسی نو، فرانسوی، ایتالیایی و ... برگردان شده است. بسیاری از سیاستمداران، ارتشیان و فلاسفه نامی غرب رونوشتی از کوروش نامه را همیشه همراه خود داشته‌اند، از جمله اسکندر مقدونی، سیپو آفریکانوس (Africanus Scipio) کنسول و ارتشبد روم، امپراتور روم سزار آگوستوس (Caesar Augustus)، نیکولو ماکیاوولی (Machiavelli Niccolò) فیلسوف نامی ایتالیایی، راجر آسکام (Ascham Roger) آموزگار و مشاور ملکه الیزابت یکم انگلستان، ژاک بنین بوسه (Bossuet Bénigne-Jacques)، کشیس و الهی دان نامی فرانسوی و حتی توماس جفرسون که در زمان نوشتن قانون اساسی آمریکا از آن بهره‌وری کرده

بوده است.

ولی از آن سوی، پرسشی که مطرح است، آیا احادیث نیز از چنان اعتبار تاریخی برخوردار میباشند؟!

۲. احادیث

حدیث (ج. احادیث)، به گفتاری که حاکی از کردار یا تقریر محمد بن عبدالله، پیامبر مسلمانان است که در عربی به چم [معنی]، روایت، گزارش، سخن و افسانه می باشد و به شوند [دلیل] آنکه، ادعا شده است گفتار خود محمد بوده است، مسلمانان محتوای آنها را بدون هیچ قید و شرطی و حیانی (فرستاده شده از سوی خدا!) از سوی مسلمانان پنداشته و آنها را زیربنای عمل در دین و مذاهب خود قرار داده اند.

بر اساس باور مسلمانان، قرآن به مثابه قانون اساسی اسلام، بیشتر کلیات را می گوید، ولی تبیین تفصیل و جزئیات را به احادیث واگذار می شود. بنابراین، احادیث، پس از قرآن، مهمترین منبع شناخت اسلام بشمار می آید. بدینگونه، پس از آن، دانشهای رجال، تاریخ حدیث، مصطلحات حدیث، فقه الحدیث و غیره، برای نگاهداری، نشر، فهم و تبیین میراث روایی پدید آمد، و زیر بنای برای قوانین، احکام و حقوق شرع اسلام شده است! برای شیعیان، بجز احادیث منسوب به محمد، نیز احادیث منسوب به امامان شیعه و حتی فاطمه، دختر محمد نیز مورد پذیرش نیز می باشد!

در هر روی، کتابهای احادیث اسلامی به دو دسته شیعه و سنی بخشبندی می شوند، که کهنترین همه آنها کتاب حدیث نوشته محمد بخاری (صحیح بخاری) میباشد. این حدیث با آنکه امروزه مورد تائید مسلمانان جهان (بجز شیعیان) قرار دارد، در حقیقت منبع اصلی همه کتابهای احادیث از جمله احادیث شیعه نیز می باشد. نیز 'ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی' معروف به 'سید رضی'، گردآورنده و نویسنده احادیث نهج البلاغه، یا گفته های منسوب به علی ابن ابیطالب، تنها عرب گردآوردن احادیث اولیه و اصلی بوده است و مابقی احادیث مورد پذیرش اهل تسنن و تشیع بلاستثناء ایرانی بوده اند.

محمد بخاری یک ایرانی، زاده ۱۰ ژوئن ۸۱۰ میلادی در شهر بخارا (در ازبکستان امروزی) بود. پدر پدر بزرگ او مغیره نام داشته است که فرزند یک موبد زرتشتی بنام 'بازبه' یا 'بردیزبه' بوده است که مسلمان میشود (نام ایرانی و پیش از مسلمان شدن مغیره در دست نیست!) ابوعبدالله محمد ذهبی، تاریخنگار محدثان مدعی میشود که بخاری در سن ۱۶ سالگی و سفر به مکه آغاز به گردآوری احادیث میکند، که در سن ۱۸ سالگی از آنها کتاب میسازد.^[4]

بگفته ای دیگر، نخستین کتاب حدیث، ۱۹۶ سال پس از درگذشت پیامبر مسلمانان (۸ ژوئن ۶۳۲ میلادی) نوشته میشود. ولی احادیث شیعیان که "کتب اربعه" یا "اصول اربعه" نام دارند، چهار کتاب مهم حدیث شیعه بشمار می روند میان ۳۰۰ یا ۵۰۰ سال پس از مرگ محمد نوشته می شوند:

- "الکافی"، گردآوری محمد بن یعقوب کلینی (سده نهم میلادی) = نزدیک به ۳۰۰ سال پس از مرگ محمد؛

- "من لایحضره الفقیه"، گردآوری ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (سده دهم میلادی) = نزدیک به ۴۰۰ سال پس از مرگ محمد؛

- "تهذیب الاحکام" و "الاستبصار فیما اختلف من الاخبار": گردآوری ابوجعفر محمد بن الحسن طوسی (سده یازده میلادی) = نزدیک به ۵۰۰ سال پس از مرگ محمد؛

جای دارد که اشاره شود، نهج البلاغه، مهمترین کتاب حدیث شیعیان، آنهم ۵۰۰ سال پس از مرگ علی بن ابیطالب و بصورت شفاهی (بدون در دست داشتن مدرک و سند) نوشته شده است!^[5]

نتیجه گیری: آیا کوروش نامه از اعتبار بیشتری برخوردار است یا احادیث؟

۱ - شواهد تاریخی (که البته با منطق نیز همسو است) نشان میدهند هر چه که زمان بیشتری از تاریخ گفته ها یا نقل قول ها

میگذرد، دخل و تصرف در آنها نیز بیشتر روی می دهد، بنابراین، احتمال دخل و تصرف در کوروش نامه گزنفون بسیار پائین تر از احادیث اهل تسنن و تشیع می باشد؛

۲ - کوروش نامه از روی سند و کتاب (تومار) قانون ایرانیان بنام قوانین "پارسها و مادها" نوشته شده است، ولی در مقابل آن، همه احادیث نه تنها از روی هیچ مدرک و سندی گردآوری نشده، بلکه کاملاً براساس نقل قول و حافظه و شفاهی گردآوری شده اند و خطر دخل و تصرف در نقل قول ها بسیار بالاتر و مورد شک و تردید میباشند؛

۴ - گزنفون و بخاری هر دو بیگانه و در باره بیگانگان نوشته اند - البته با یک تفاوت بزرگ. گزنفون یک یونانی بود که باره دشمن خود نوشته بوده است و نیازی به تحسین و بالا بردن ایرانیان نداشته است - ولی بخاری، با آنکه یک ایرانی و غیرعرب بوده است، ولی مسلمان صد آتشه و متعصب بوده و گردآوری آنها برای او "منافع روحی" در برداشته است.

در نتیجه اگر "کوروش نامه" ای که حتا بر اساس مدارک و مستندات گردآوری شده بودند، نادرست و جعلی و دروغ خوانده میشود، بنابراین، کتابهای "احادیث" چه بخاری و چه بقیه حدیثها (کتب اربعه، بحار الأنوار، مسلم، نهج البلاغه، ترمذی، من لایحضره الفقیه، سنن ابوداود و غیره)، هم بدون هیچ شک و شبهه ای دروغ و جعلی می باشند! بویژه آنکه کوروش نامه یکبار و بدست یک تن از زبان پارسی باستان به یونانی برگردان شده است، و اصل آن نیز در دست می باشد؛ ولی احادیث نه تنها هیچکدامشان اصل آنها در دست نیست، بلکه در درازای سده ها، بدست اگر نه هزاران نفر، بلکه دستکم صدها تن بازنویسی و نقول قول و کم و زیاد شده است. ناگفته نماند که احادیث مورد پذیرش اهل تشیع، از اعتبارات بسیار پائین تری از احادیث اهل تسنن می باشند! زیرا نه تنها دستکم یکصدسال دیرتر از احادیث سنی نوشته شده اند، بلکه حتی هر روزی که میگذرد، ملایان شیعه برای بهره وری سیاسی و امر تحمیق آن بخش از ملت که بیسواد و ناتوان در تمیز دادن سره از ناسره می باشند، احادیث نو ساخته، پرداخته و میافزایند. از آنروی، زیر پرشش بردن احادیث که بدون مدرک و سند تاریخی گردآوری شده اند، بسیار آسانتر از زیر پرشش بردن تاریخ مکتوب ایرانیان می باشد.

پس آیا خردمندان نیست که ما ایرانیان بجای یورش و ناسزاگویی به عقاید و باورهای ملی و دینی یکدیگر، به آنها احترام گذاشته و برای دفاع از عقاید خود درصدد سرکوبی عقاید مخالف یکدیگر بر نیائیم؟ مسلماً زیباتر و انسانی تر و به نفع و سود همه □ ما می باشد تا نقاط مشترک یکدیگر را دریافته و دست اتحاد بسوی یکدیگر دراز کنیم، بویژه آنکه آینده در توافق و تفاهم است، در غیر اینصورت سرانجام همه ما نابودی خواهد بود؛ - برنامه ای که غربیان در دهه ۷۰ میلادی برای ما ایرانیان ریخته و اگر هشیارانه و خردمندانه رفتار نکنیم، بیگانگان سرانجام بر روی نعش همه ما و کشور تکه پاره شده امان، به پایکوبی و شادی برخوانند خاست!

بامید بیداری!

شاپور سورنپهلو

۲۵ تیر ماه ۳۷۳۹ بهدینی

۱۶ ژوئیه ۲۰۰۱ ترسایی

پی نوشت ها

1 – http://www.cais-soas.com/CAIS/History/hakhamaneshian/Cyrus-the-great/cyrus_the_great.htm

2 – Xenophon; History of My Times, Penguin Classics; New Impression edition (1979), p.9

3 – Cawkwell, George, "The Persian Expedition", Penguin (1972), p. 122

4 – Muhammad Zubayr Siddiqi, "Hadith Literature: Its Origin, Development and Special Features", Islamic Texts Society, (1993), p. 12

5 – Muhammad ibn al-Husayn Sharif al-Radi, "Nahjul balagha: sermons, letters, and sayings of Hazrath Ali", Khorasan Islamic Centre, (1971), p.18

